

نقش مشارکت مردمی در تشکیل و تفکیک قوا و تاثیر آن بر مشروعیت حکومت از دیدگاه منتسکیو

محمود ولی زاده

دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

mahvalizadeh46@gmail.com

چکیده

منتسکیو در کتاب روح القوانین پس از بیان این امر که جمع شدن قدرت تقنینی، اجرایی و قضایی در اختیار یک فرد یا یک دستگاه خاص ممکن است به خودکامگی بینجامد، تاکید می کند. پس برای آن که نتوان از قدرت سوءاستفاده کرد، باید دستگاههای دولتی طوری تنظیم شوند که قدرت، قدرت را متوقف کند. در این مطالعه با استفاده از روش تحقیقی توصیفی و با بهره گیری از منابع کتابخانه ای به بررسی نقش مشارکت مردمی در تشکیل و تفکیک قوا و تاثیر آن بر مشروعیت حکومت از دیدگاه منتسکیو پرداخته شد. آن گونه که از روح القوانین بر می آید مراد منتسکیو از شناسایی قوای سه گانه جدایی کامل و مطلق آنها از یکدیگر نیست. آشکار است که بدون هماهنگی و تعامل میان قوه مقننه، مجریه و قضائیه حکومت قادر به مدیریت کشور نیست. قوه قانون گذاری به وضع قانون و نظارت بر امور کشور می پردازد. قوه مجریه وظیفه دارد قانون های وضع شده مجلس را به اجرا درآورد و دستگاه قضائی در صورت استقلال می تواند به وظایف خویش عمل کند اما ارتباط آن با مجلس و دولت امری بدیهی و ضروری است. فلسفه تفکیک قوا از سوی پاسداشت آزادی و بهره مندی شهروندان از آزادی های قانونی است و از سوی دیگر هدف جلوگیری از تجمیع قدرت در دست یکی از نهادهای حکومت است.

واژگان کلیدی: مشارکت مردمی، مشروعیت، اصل تفکیک قوا، منتسکیو

مقدمه

از حدیث قدمت زمانی نخستین فیلسوف قرن هجدهم منتسکیو است که حوالی ورود و متولد شد و به لقب بارون دولابر مقلب گشت. منتسکیو به علت نسبت اشرافیت و شهرت خانوادگی و ریاست پارلمان و تحصیل خود در اکثر علوم اجتماعی، درخشان ترین چهره شهر و موفق ترین عضو آکادمی شهر بررد و شهری که در آن مطالعات و تحقیقات فکری از اهمیت بالایی بود برخوردار بود (بندسی، ۱۳۹۸). تفکیک قوا به مفهوم توزیع قدرت حکومت بین سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه، یکی از مفاهیم بنیادی عرصه سیاست است. موضوع تفکیک قوا (Division of power) که اکنون بسیاری از قوانین اساسی کشورهای مختلف جهان آن را به رسمیت پذیرفته اند، از دوران باستان تاکنون مورد بحث و بررسی قرار داشته است. با این وجود، مفهوم کنونی اصل تفکیک قوا، یعنی تقسیم قدرت بین سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه که مورد قبول اجماع حقوقدانان واقع شده، دستاورد منتسکیو فیلسوف و متفکر فرانسوی قرن هیجدهم است. اهمیت کنترل قدرت بی حد و حصر حکومت از طریق به کارگیری اصل تفکیک قوا تا آنجا بود که در اعلامیه حقوق بشر و شهروندان مصوب سال ۱۷۸۹ تاکید شده هر جامعه ای که در آن حقوق افراد تضمین نشود و تفکیک قوا در آن برقرار نشده باشد، دارای قانون اساسی نیست نتیجه این روند گنجاندن اصل تفکیک قوا در قوانین اساسی بسیاری از کشورها بود فلسفه اصلی نظریه تفکیک قوا بر کنترل قدرت دولت بوده است. منتسکیو در کتاب روح القوانین پس از بیان این امر که جمع شدن قدرت تقنینی، اجرایی و قضایی در اختیار یک فرد یا یک دستگاه خاص ممکن است به خودکامگی بینجامد، تاکید می کند. پس برای آن که نتوان از قدرت سوءاستفاده کرد، باید دستگاههای دولتی طوری تنظیم شوند که قدرت، قدرت را متوقف کند (شیشه بر، ۱۳۹۷).

بر طبق ماده ۱۶ اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ فرانسه: جامعه ای که در آن حقوق فردی تضمین و تفکیک قوا تثبیت نشده است به هیچ وجه قانون اساسی ندارد (بلامی، ۱۳۸۴).

در واقع می توان گفت که یکی از دغدغه های مشترک عالمان و عاملان سیاسی، اصول بنیادین سازماندهی قدرت نزد دولت ها بوده است. به طور کلی مفهوم دولت بر قدرت مرکزی دلالت دارد که به صورت سازماندهی شده به اعمال حاکمیت می پردازد. بنابراین دولت اقتداری برتر و مسلط است که انحصار کاربرد زور در قلمرویی مشخص را بر عهده دارد. در قرون اخیر دولت ها با استناد به نظریات تفکیک قوا، سازماندهی های نوینی از قدرت سیاسی را ارائه کرده اند (طباطبایی، ۱۳۹۶). بند ۸ از اصل ۳ قانون اساسی، حکومت را موظف کرده است که همه امکانات خود را برای مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش به کار گیرد. مشارکت جامعه در سرنوشت مهم ترین شاخص دموکراسی های نوین است (بندسی، ۱۳۹۸)

پیشینه تحقیق

برخی از مطالعات پیشین انجام شده در خصوص موضوع مورد مطالعه به شرح ذیل می باشد:

منصوریان و کتابی در سال ۱۴۰۰ به بررسی تفکیک یا تعادل قوا خوانش جدید از کتاب روح القوانین مونتسکیو پرداختند و اشاره داشتند که مدت های مدیدی است که هر جا سخن از تفکیک قوا به میان می آید، نویسندگان بلافاصله به نام شارل دو مونتسکیو به عنوان موسس این نهاد در حقوق عمومی اشاره می کنند و طبیعتاً به معروفترین اثر وی یعنی «روح القوانین» نیز به عنوان منبع تاسیس این نهاد، استناد می کنند. این استناد به حدی است که گویی تفکیک قوا، زاده مونتسکیو است. اما مذاقه در این اثر شگرف مونتسکیو نشان می دهد که این اندیشمند به جز یک مورد، در هیچ کجای متن کتاب خویش به عبارت «تفکیک» در ارتباط با قوا اشاره ای ندارد. جالب اینجاست که نظامی که او تحت تاثیر آن روح القوانین را به رشته تحریر درآورده است، (نظام انگلستان وقت) نیز مبتنی بر تفکیک قوا به گونه ای که به شخص وی نسبت ی دهند، نبوده است. علاوه بر فقد لفظ تفکیک قوا در متن، آنچه از روح کلی روح القوانین قابل استنتاج است، توازن و تعادل قواست و نه تفکیک قوا. مونتسکیو در جای جای اثر خویش -علی الخصوص در فصل ششم از باب یازدهم- آزادی سیاسی ناشی از تعاون و توازن قوای سه گانه را می ستاید. بنابراین می توان گفت

نه آنهایی که او را به عنوان مبدع تفکیک قوا ستوده‌اند و نه آنهایی که بر او به همین عنوان تاخته‌اند، فهم درستی از آنچه مونتسکیو در باب تقسیم و توازن قدرت داشته است، نداشته‌اند. این مقاله بر آن است تا با بررسی سیر تحولی تفکیک قوا و خوانش جدید از کتاب روح القوانین، ایده واقعی مونتسکیو را در این باب بیان نماید.

مرادخانی در سال ۱۳۹۴ به بررسی پیدایش مفهوم تفکیک قوا در انقلاب مشروطیت ایران پرداختند و اشاره داشتند که نظریه تفکیک قوا یکی از مهم‌ترین نظریه‌ها و مفاهیم در حقوق عمومی می‌باشد که نخستین بار توسط مونتسکیو به صورت یک نظریه منسجم ارائه شد. برداشت‌ها و سنت‌های متفاوت و متعددی از این مفهوم در کشورهای مختلف به وجود آمده است. ایرانیان نیز برای نخستین بار از خلال انقلاب مشروطیت با این مفهوم از طریق نوشته‌های روشنفکران آشنا شدند و در قانون اساسی مشروطه به آن اشاره کردند. در این مقاله پس از نگاهی به مفهوم تفکیک قوا و سنت‌های آن، تجربه ایرانیان را در خصوص این مفهوم در نوشته‌های روشنفکران و فقها و تجربه مهم مجلس اول بررسی خواهیم نمود. یکی از بحران‌های اصلی مجلس اول بحران تفکیک قوا بود زیرا در حقیقت وظایف هیچ کدام از نهادها مشخص نبود. از این رو نمایندگان این مجلس، وارد بحث‌هایی شدند که بسیاری از مسائل مربوط به تفکیک قوا از جمله رابطه مجریه و مقننه، مسئولیت وزرا در برابر مجلس، تفکیک سلطنت از حکومت و موارد دیگر را روشن ساخت.

شیرمحمدی و همکاران در سال ۱۳۹۱ به بررسی تفکیک قوا در اندیشه‌های ثقه الاسلام تبریزی پرداختند و اشاره داشتند که تفکیک قوا یکی از دستاوردهای فکری متفکران عهد روشنگری نظیر مونتسکیو بود که در قانون اساسی فرانسه لحاظ شد. با صدور انقلاب فرانسه به دیگر نقاط گیتی، متفکران ایرانی نیز از دستاوردهای فکری فرانسوی‌ها تاثیر پذیرفتند. یکی از این دستاوردهای فکری که در واکنش به تجمع قدرت در یک نهاد و جلوگیری از استبداد طرح‌ریزی شده بود، تفکیک قوا بود که با توجه به ساختار قدرت در ایران، مورد توجه ویژه ایرانیان قرار گرفت. تا پیش از انقلاب مشروطه و شروع اصلاحات در ایران، مراجع متعددی برای وضع اجرای قانون وجود داشت و امور قضایی را چند نهاد اجرا می‌کردند. اما با ورود اندیشه دموکراسی و به تبع آن، تفکیک قوا، متفکران ایران بر نوسازی نهاد سیاسی تأکید کردند و تلاش‌هایی برای تفکیک قوه‌های مقننه، مجریه و قضاییه از یکدیگر انجام دادند. یکی از متفکران روحانی عصر مشروطه، ثقه الاسلام تبریزی بود که این مقاله بر آن است با روش توصیفی-تحلیلی و تکیه بر اسناد و نامه‌های به دست آمده از او، به بررسی تفکیک قوا در اندیشه‌های سیاسی این روحانی مشروطه‌خواه بپردازد.

اعظمی در سال ۱۴۰۰ به بررسی تطبیقی مفهوم تفکیک قوا در نظام‌های حقوقی ایران و عراق پرداختند و اشاره داشتند که با توجه به پذیرش اصل تفکیک قوا در نظام جمهوری اسلامی ایران و تأکید بر استقلال قوا به معنای عدم مداخله و تعرض قوا نسبت به یکدیگر تنها تعامل و کنترل در جهت تعادل و توازن قوا به جهت نسبی بودن نوع تفکیک قوا مجاز خواهد بود. اندیشه تفکیک قوا که از سوی اندیشمندانی چون "توماس هابز"، "جان لاک"، "مونتسکیو" و "روسو" ارائه شد، از قرن نوزدهم به تدریج در نظام‌های سیاسی وارد و در حقوق اساسی کشورها به رسمیت شناخته شد. امروزه کمتر کشوری را می‌توان یافت که ساختار خود را هرچند به صورت ظاهر براساس تفکیک قوا سامان نبخشیده باشد. در این پژوهش به بررسی تطبیقی تفکیک قوا در نظام‌های حقوقی ایران و عراق پرداخته میشود. نتایج حاکی از آن است که نظام سیاسی اسلام فلسفه اصلی تفکیک قوا را به رسمیت نمی‌شناسد؛ جمهوری اسلامی ایران نیز هرچند تفکیک قوا را به رسمیت شناخته، ولی آن را متناسب با مبانی خود بومی سازی کرده است و مراجع نظارتی مانند شورای نگهبان و دیوان عدالت اداری هم به صراحت تفکیک مشخصی ندارند تفکیک قوای به رسمیت شناخته شده در اصل ۵۷ قانون اساسی با نگرش فقه سیاسی اسلام انطباق دارد و منطق حاکم بر تفکیک قوای غرب نتوانسته است خود را بر اندیشه تفکیک قوای جمهوری اسلامی تحمیل کند و در عراق نیز تفکیک قوا به معنایی که در غرب است وجود ندارد و قوه مقننه آن کشور مستقل است و بقیه زیر نظر قوه مقننه است.

شیشه بر در سال ۱۳۹۷ به بررسی مفهوم تفکیک قوا در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران پرداختند و اشاره داشتند که تفکیک قوا به مفهوم توزیع قدرت حکومت بین سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه، یکی از مفاهیم بنیادی عرصه سیاست است. موضوع تفکیک

قوا (Division of power) که اکنون بسیاری از قوانین اساسی کشورهای مختلف جهان آن را به رسمیت پذیرفته اند، از دوران باستان تاکنون مورد بحث و بررسی قرار داشته است. با این وجود، مفهوم کنونی اصل تفکیک قوا، یعنی تقسیم قدرت بین سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه که مورد قبول اجماع حقوقدانان واقع شده، دستاورد منتسکیو فیلسوف و متفکر فرانسوی قرن هیجدهم است. اهمیت کنترل قدرت بی حد و حصر حکومت از طریق به کارگیری اصل تفکیک قوا تا آنجا بود که در اعلامیه حقوق بشر و شهروندان مصوب سال ۱۷۸۹ تأکید شده هر جامعه ای که در آن حقوق افراد تضمین نشود و تفکیک قوا در آن برقرار نشده باشد، دارای قانون اساسی نیست نتیجه این روند گنجاندن اصل تفکیک قوا در قوانین اساسی بسیاری از کشورها بود فلسفه اصلی نظریه تفکیک قوا بر کنترل قدرت دولت بوده است. منتسکیو در کتاب روح القوانين پس از بیان این امر که جمع شدن قدرت تقنینی، اجرایی و قضایی در اختیار یک فرد یا یک دستگاه خاص ممکن است به خودکامگی بینجامد، تأکید می کند. پس برای آن که نتوان از قدرت سوءاستفاده کرد، باید دستگاههای دولتی طوری تنظیم شوند که قدرت، قدرت را متوقف کند این مقاله نظریه استقلال یا تفکیک قوا را در چارچوب قانون اساسی مورد مطالعه قرار میدهد و با بررسی مواد قانون اساسی چگونگی تفکیک قوا را در کشور ایران تبیین می کند.

شیعه علی و زارع در سال ۱۳۹۶ به بررسی نظریه تفکیک قوا در جمهوری اسلامی ایران با نگاهی به رابطه ولایت فقیه با تفکیک قوا پرداختند و اشاره داشتند که نظریه ی تفکیک قوا در جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده است، این مسئله از لایه لای قوانین و نظریات شورای نگهبان برداشت می شود. اما اجرای نظریه ی مذکور در برخی موارد ابهاماتی دارد و در مواردی مرز میان محدوده ی اختیارات قوا مورد تردید است، از این رو شورای نگهبان در مقام نهاد تفسیر قانون اساسی و همین طور ناظر بر مصوبات کشور با ورود به موضوع، اقدام به حل اختلاف میان قوای سه گانه می کند. موضوع این مقاله بررسی ماهیت نظریه ی تفکیک قوا و تحلیل برخی از مهم ترین موارد تداخل ظاهری اختیارات قوای سه گانه و نظریات شورای نگهبان در این زمینه است و نتیجه اینکه در مصادیقی که احتمال ایجاد تداخل ظاهری در اختیارات قوای سه گانه وجود دارد، شورای نگهبان در مقام نهاد تفسیر قانون اساسی اختلاف میان قوای سه گانه را رفع و قوای حاکم در مسئله را مشخص می کند. این اصل براساس ساختار نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران بیشتر برای سازگار کردن قوای سه گانه کاربرد دارد، از این رو با توجه به ساختار حکومتی ایران و حضور نهاد ولایت فقیه و اقتدار کاملش بر همه ی ارکان قدرت، برداشت مدرن از نظریه ی تفکیک قوا نمی تواند پذیرفته شود و باید همان جنبه ی سنتی این اصل مدنظر قرار گیرد. به علاوه تفکیک قوا براساس قانون اساسی مسئله ای نسبی است. این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده است.

تقی پور در سال ۱۴۰۱ به بررسی تحلیل تفکیک قوا از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران با تفکیک قوا در نظام های متداول و مرسوم معاصر پرداختند و اشاره داشتند که استقلال یا تفکیک قوا از جمله مفاهیم بنیادین پذیرفته شده و پیاده سازی شده در سازماندهی کلان بسیاری از نظام های حکومتی دنیای امروز است. متعاقب انقلاب های ملی که باعث پیدایش شکل جدیدی از دولت، موسوم به دولت ملت شد، شاهد اجرای عملی نظریات تفکیک قوا بودیم. منبعد، اصول بنیادین سازماندهی قدرت در دولت های مدرن بر روی نظریات تفکیک قوا و برداشت های مختلفی از آن قرار گرفت. به منظور جلوگیری از تمرکز قدرت و سامان بهتر امور سیاسی بر اساس نظریه ی تفکیک قوا، دولت های ملی به توزیع قدرت سیاسی از طریق ایجاد سه قوه ی مقننه، مجریه و قضائیه و جداسازی ساختاری و کارکردی آنها مبادرت ورزیدند. اگرچه نظریه تفکیک قوا را می توان در ابعاد تاریخی و فلسفی آن مورد مطالعه قرار داد، اما آنچه برای نظام حکومتی جمهوری اسلامی ایران اهمیت ویژه ای دارد تبیین ابعاد حقوقی و مدیریتی نظریه تفکیک قوا مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

جعفری هرنندی در سال ۱۴۰۰ به بررسی اصل تفکیک قوا در نظام جمهوری اسلامی ایران پرداختند و اشاره داشتند که استقلال یا تفکیک قوا (Separation Of Powers) از جمله مفاهیم بنیادین پذیرفته شده و پیاده سازیشده در سازماندهی کلان بسیاری از نظام های حکومتی دنیای امروز است. امروزه کمتر در مورد ضرورت این نظریه تردیدی ابراز می شود، بلکه مباحث بیشتر در مورد

چگونگی پیاده‌سازی آن برای جلوگیری از تمرکز قدرت و افزایش کارآمدی نظام‌های حکومتی است. به همین دلیل اگرچه نظریه تفکیک قوا رami توان در ابعاد تاریخی و فلسفی آن مورد مطالعه قرار داد، اما آنچه برای نظام حکومتی جمهوری اسلامی ایران اهمیت ویژه‌ای دارد تبیین ابعاد حقوقی و مدیریتی نظریه تفکیک قوا مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. بدین ترتیب شفاف‌سازی و عملیاتی کردن این نظریه ذاتا پیچیده و مبهم و جلب وفاق صاحب‌نظران و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران میتواند حصول کارآمدی حداکثری نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را شتاب بیشتری بخشد.

عزیززاده و سلیمانی در سال ۱۴۰۱ به بررسی پذیرش اصل تفکیک قوا و مکانیسم‌های حفظ آن پرداختند و اشاره داشتند که اصل تفکیک قوا یکی از مهمترین اصول حقوق عمومی است که با سرشکن نمودن قدرت در بین صاحبان قدرت، مانع استبداد و تکروری آنان می‌شود. اصل تفکیک قوا هر چند محصول کشورهای غربی است ولی مبانی آن در فقه قابل ریشه‌یابی است. بنابراین، تلاش نگارندگان در این جستار با روش توصیفی و تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، بررسی موضوع با نگرش فقهی و حقوقی بوده و دستاورد پژوهشی این است که: اولاً - اصل تفکیک قوا نه تنها با حاکمیت الهی در نظام ما تعارض ندارد بلکه در کنار اصولی چون اصل اتکاء آرای عمومی و تساوی همگان در برابر قانون و... به ثبات سیاسی کشور از طریق دفع خطر استبداد و خودکامگی کمک می‌کند؛ ثانیاً - اگرچه این اصل ریشه در غرب دارد ولی ورود آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تقلید محض نبوده؛ بلکه دارای مستندات فقهی است؛ ثالثاً - با در نظر گرفتن ابزار و مکانیسم‌هایی همچون نظارت درونی، نظارت بیرونی و اهداف حکومت اسلامی برای حفاظت از این اصل، چاره‌اندیشی هم شده است

طاهری و همکاران در سال ۱۴۰۱ به بررسی اصل تفکیک قوا و نظریه‌های موجود در آن پرداختند و اشاره داشتند که تفکیک قوا عبارت است از: توزیع وظایف حکومت میان قوای سه‌گانه (مقننه، مجریه و قضائیه). در واقع تفکیک و توازن میان قوا، ضامن حفظ حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی است زیرا مانع تمرکز قدرت در دست اقلیتی محدود و تقسیم وظایف میان قوای مختلف خواهد شد. اهمیت بحث بررسی در باب تفکیک قوا، از لحاظ مطالعات حقوق اساسی و نهادهای سیاسی در این است که: اولاً: تفکیک قوا به عنوان یک اصل مسلم در عرف حقوقی کشورهای مختلف مورد پذیرش قرار گرفته ثانیاً: بواسطه اصل تفکیک قوا میتوان هر کدام از قوای موجود را که مظهری از حاکمیت بشمارمی‌روند ارزیابی کرد و رژیم‌های سیاسی را شناسایی و طبقه‌بندی نمود. ثالثاً: ملاحظه نظریات گوناگون مربوط به تفکیک قوا، سیر تحولی افکار و اندیشه‌ها را در تکامل جوامع بشری بخوبی نمایان می‌کند. رابعاً: پیوند این اصل با ماهیت رژیم سیاسی آنچنان مستحکم شده که صرف وابستگی یا عدم وابستگی به اصل تفکیک قوا، درجه حقوق فردی و اجتماعی را در جوامع نشان می‌دهد.

روش کار

در این مطالعه با استفاده از روش تحقیقی توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به بررسی نقش مشارکت مردمی در تشکیل و تفکیک قوا و تاثیر آن بر مشروعیت حکومت از دیدگاه مونتسکیو پرداخته شد و نتایج به شرح ذیل گردآوری گردید:

یافته‌ها

تفکیک قوا از جمله نظریات مشهوری است که در حوزه اندیشه سیاسی مورد پردازش قرار گرفته است. اجماع بر آن است که تفکیک قوا روشی است برای جلوگیری از تجمع قدرت سیاسی بیش از حد در یک نهاد سیاسی روشی برای دستیابی به این هدف از طریق توزیع قوای سیاسی سه‌گانه در میان قوای تقنینی اجرایی و قضایی و مجهز کردن هر یک از قوا به اختیارات خاصی که برای حفاظت از خود و نظارت بر سایر قوا لازم دارد (منصوریان و کتابی رود، ۱۴۰۰). مونتسکیو معتقد بود برای اینکه انسان‌ها آزاد باشند باید قوای سه‌گانه وجود داشته باشند به دیگر سخن آزادی انسان‌ها مستلزم وجود قوای سه‌گانه است. وی در کتاب روح القوانین خود می‌نویسد اگر یک فرد یا هیأتی که مرکب از رجال یا توده و اعیان است این سه قوه را در عین حال با هم دارا باشد یعنی هم قوانین وضع کند و هم تصمیماتی عمومی را به موقع اجرا بگذارد و هم اختلافات بین افراد را حل کند و هم جنایات را کیفر دهد آنوقت همه چیز از بین می‌رود (Baron 2001).

در واقع کتاب روح القوانین که همواره مورد توجه اندیشمندان بوده است توسط منتسکیو در ارتباط با پدیده‌های اجتماعی از جمله مشارکت مردمی نیز سخن گفته است (سلطانیه و سلیمی، ۱۴۰۰). نظریه منتسکیو در این باب بر محور آزادی سیاسی دور می زند در کنار آزادی سیاسی، قانون به عنوان یک ضابطه و مرکز دید در نظریه منتسکیو مطرح است یعنی وظیفه وضع قانون، اجرای قانون و قضاوت بر اساس قانون (موسی زاده و حیدری، ۱۳۹۸).

مفهوم تفکیک قوا

امروزه تفکیک قوا به معنای «تفکیک قدرت حکومت است، بین سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه. طبق نظریه تفکیک قوا، هیچ یک از این سه قوه نمی‌توانند در کار دیگری دخالت کنند و وظایف دیگری را انجام دهند.»

- از نظر سابقه و مبنا، ریشه نظریه تفکیک قوا به یونان دوره قدیم باز می‌گردد؛ مثلاً ارسطو بر این باور بود که (هر حکومت دارای سه قدرت است و قانون گذار خردمند باید حدود هر یک از این سه قدرت را باز شناسد... نخستین این سه قدرت، هیئتی است که کارش بحث و مشورت درباره مصالح عام است. دومین آن‌ها... به فرمان‌روایان و مشخصات و حدود صلاحیت و شیوه انتخاب آنان مربوط می‌شود. سومین قدرت، کارهای دادرسی را در بر می‌گیرد.»

- امروزه در توجیه فلسفه تفکیک قوا، آن را تضمینی برای «امنیت عمومی» و جلوگیری از «استبداد» ذکر می‌کنند.
- با قبول این مبنا، تفکیک قوایی که ارسطو مطرح می‌کند، با تفکیک قوای امروزی متفاوت است، زیرا او در بحث چهارده صفحه‌ای در این موضوع، مثلاً در مورد قوه قضاییه (نصب دادرسان) ضمن تقسیم آن‌ها به سه گروه نوشت: «گروه اول که در آن‌ها دادرسان از میان همه مردم برگزیده می‌شوند و برای رسیدگی به همه انواع دعاوی صلاحیت دارند، خاص دموکراسی است، گروه دوم که در آن‌ها دادرسان از میان طبقه‌ای معین انتخاب می‌شوند ولی باز صلاحیت رسیدگی به همه انواع دعاوی را دارند، مخصوص به الیگارش‌ی است و گروه سوم که در آن هابرخ‌ی از میان همه مردم و برخی دیگر از طبقه معینی برگزیده می‌شوند، ویژه‌اریستوکراسی و پولیتی است.»

- در برداشت ارسطو تقسیم وظایف می‌تواند با الیگارش‌ی جمع شود و این امر نقض غرض از تفکیک قواست، علاوه بر آن که او مثلاً برای قوه مشورتی وظایفی غیر از آن چه که برای قوه مقننه امروزی مطرح می‌شود عنوان می‌کند، که خود به خود بین تقسیم و تفکیک قوای ارسطو با معنای امروزی آن کاملاً فاصله می‌اندازد. پس از ارسطو مفهوم «تفکیک قوا» را می‌توان در آثار سه تن از نام دارترین مکتب «حقوق فطری و بین المللی»، «گروسوس»، «پوفندرف» و «ولف» یافت که تعداد وظایف و اختیارات حکومتی‌شمار و متنوع است که باید هر کدام را به نام «بخشی از ظرفیت حاکمیت» نامید. پوفندرف و ولف هفت‌بخش زیر را از هم متمایز می‌کنند: (۱) قوه مقننه؛ (۲) حق برقراری مجازات چون ضمانت اجرای قوانین؛ (۳) قوه قضاییه؛ (۴) حق جنگ و صلح و انعقاد قراردادهای بین المللی؛ (۵) حق برقراری و وصول مالیت‌ها؛ (۶) حق تعیین‌وزرا و کارکنان زیر دست آن‌ها؛ (۷) حق تنظیم تعلیمات عمومی. لکن این اندیش‌مندان در عمل جدا کردن ارگان‌های اجرایی این قوا را خلاف مبانی فرمان‌روایی پنداشته و گمان دارند که یک نفر یا یک دستگاه مرکزی باید پیونددهنده واقعی و سر رشته دار امور حکومت باشد. (منصوریان و کتابی رود، ۱۴۰۰).

- «ژان بدن» و شاگردانش نیز به تشخیص پنج تا شش مظهر حاکمیت پرداخته و آن‌ها را در آثار خود برشمرده اند. ولی چون حاکمیت را تقسیم‌ناپذیر می‌دانند و قوه مقننه را مادر قوا می‌شناسند، بقیه مظاهر حاکمیت را برآمده و ناشی از مقننه می‌دانند که باید عملاً در این قوه و زیر نظر آن گردآیند. «جان لاک» در قرن هفدهم که حکومت بریتانیا زیر تاثیر تحولات تدریجی در عمل راه‌حل‌های بدیعی به وجود آورده بود که به شکل نهادهای سیاسی جدید در این کشور وجود داشت، ولی لزوماً از اندیشه سیاسی پیش ساخته‌ای سرچشمه نمی‌گرفت؛ یعنی همراه با جریان‌های سیاسی و اجتماعی این جامعه سازمان‌هایی که از پراگماتیسم مردم این سامان جوشیده و در ساختمان سیاسی کشور جا باز کرده بود، در عمل نمونه‌های تجربه شده و عینی را به دست می‌داد (منصورنژاد، ۱۳۷۸).

نظریه تفکیک قوا از دیدگاه منتسکیو

منتسکیو در اثر معروف خود با عنوان روح القوانین نظریه جان لاک درباره توزیع قدرت در دولت را کامل کرده است. وی با ایجاد قدرت سومی به نام قوه قضائیه و بازتعریف روابط میان سه قوه ای که عهده دار قدرت هستند، به عنوان بنیان گذار نظریه تفکیک قوای سه گانه شناخته می شود. دغدغه اصلی منتسکیو اشاعه آزادی سیاسی و عدم تمرکز قدرت سیاسی دولت در نزد یک نفر یا گروهی محدود می باشد. جمله معروف هر کس که قدرت دارد مستعد سو استفاده از آن است چرا غ راه منتسکیو برای محدودسازی قدرت از طریق تفکیک و توزیع آن می باشد (Leroy 2001).

منتسکیو با تشریح برخی مقدمات و پیش فرض های حکومت مشروعه آغاز کرد. وی تأکید داشت که آزادی سیاسی با مجوز خود محدودیتی از طریق پذیرش الزامی حکومت قانون متفاوت است. قانون و آزادی تنها وقتی با هم جمع می شوند که سو استفاده ای از قدرت در میان نباشد. از آنجا که همه تجارب مؤید این است که هر انسان صاحب قدرتی درصدد سو استفاده از قدرت خود است، تمام قدرت باید در مرزهایی در چارچوب قانون اساسی نگهداری شود به طوری که قدرت قدرت را متوقف کند. نوآوری او نظریه تفکیک وظایف را به گونه ای اصلاح کرد که به مصابه یک عامل بازدارنده عمل کند. منتسکیو در توصیف مقدماتی تفکیک قوا از نظریه لاک مبنی بر تفکیک بین مقننه و مجریه پیروی کرد و بعداً قوه مجریه را به زیر مجموعه های امور داخلی و خارجی تقسیم نمود. اما فوراً نظریه خود را این بار با معرفی قوه سومی به نام قضائیه از نو بیان کرد. این تمایز سه گانه گرچه برای نخستین بار نبود اما تنها با طرح منتسکیو بود که رواج گسترده ای یافت. منتسکیو معتقد بود که صرف تفکیک صوری قوا، امکان مهار هر قوه توسط قوه دیگر را فراهم نمی آورد. او با نقد جمهوری ونیزی دریافت که گرچه قوای مقننه، مجریه و قضائیه به ترتیب بین شواری عالی، پرگاردی و کوارنتیا تقسیم شده بود اما تمام دادگاه ها متشکل از قضاتی بود که متعلق به طبقه اجتماعی یکسانی بودند که عملاً تمام قوا را به یک قوه همسان تبدیل می کند (بلامی، ۱۳۸۴).

نقش مشارکت مردمی در تشکیل و تفکیک قوا و تاثیر آن بر مشروعیت حکومت از دیدگاه منتسکیو زوال ناپذیرترین قسمت های کتاب منتسکیو بدون تردید آن قسمت است که به تفکیک قوا مربوط می شود. بنا به گفته وی در نتیجه این تفکیک هر یک از قوا دیگری را محدود می سازد و آزادی یعنی حکومتی که بر اساس قانون استوار شده باشد امکان پذیر می شود. منتسکیو می گوید سه نظام قوا به این شرح موجود است: قوه مقننه که قوانین را وضع می کند. قوه مجریه که این قوانین را برای نظم عمومی به مرحله اجرا در می آورد. هر یک از این سه قوه باید به یک سازمان مشخص و مجزا از یکدیگر واگذار شود. تنها هنگامی که این تفکیک قوا موجودیت پیدا می کند می توان به یک رژیم آزاد دست یافت. موجد تفکیک قوا افلاطون است و پولی بیوس نیز در باب حکومت روم در این فرضیه بحث می کند. در قرون وسطی نیز اصل تفکیک قوا معمول بوده و بعد منسوخ شد و سلطنت مطلقه معمول گشت. در آن زمان حکومت مرکب می نامیدند، ولی عین مفهوم نظر منتسکیو را نداشت و منظور از آن موازنه مراکز اجتماعی و اقتصادی طبقات مختلف بوده یعنی شرکت دادن طبقات مختلف جامعه در امر حکومت است. منتسکیو فرضیه تعدیل قوای حکومت را احیا کرده و بسط داده و می گوید: در هر حکومت سه نوع قدرت موجود است: مقننه، مجریه، قضائیه و اگر قدرت مقننه و قدرت اجرائیه در یک نفر با یکدسته جمع گشت و همچنین اگر قدرت قضائیه از آن دو قوه دیگر جدا نباشد، آزادی وجود خارجی نخواهد داشت. معتقد است که تفکیک قوا حتی در حکومت های سلطنتی نیز تا درجه ای لازم است تا آن حکومت ها را پایدار سازد و چنانچه مطلقاً تفکیک قوا و تقسیم مسئولیت ها و قدرت ها در چنان حکومتی موجود نباشد بزودی مبدل به حکومت استبداد خواهد شد (بندسی، ۱۳۹۸).

بیزاری منتسکیو از حکومت مطلقه فردی که وی آن را هسته استبداد می دانست موجب شده بود که وی از حکومت مختلط، فردی، اشرافی و دموکراتیک هواخواهای کند. به انگیزه این تمایل، نظریه معتبر جدایی قوه مقننه، مجریه و قضائیه را خواستار شد. او اعتقاد داشت قوه مقننه باید قانون گذاری کند ولی مسئول اجرای قانون نباشد، قوه مجریه باید قانون را اجرا کند ولی نباید در وضع قانون دخالت نماید و قوه قضائیه باید اختیار خویش را به تفسیر قانون محدود کند. قوه مجریه نباید هیئت داوران را برگزیند

یا آنان را تحت نفوذ خود درآورد. قوه مقننه بهتر است از دو مجلس مستقل و جداگانه تشکیل شود. یکی از این دو مجلس نماینده طبقات فرادست خواهد بود و دیگر نماینده توده مردم. در این کشور مردمی خواهند بود که تبار، دارایی و یا شأن شان آنان را از دیگر مردم متمایز می سازد. هر گاه آنان را در زمره دیگر مردم نهمیم و به آنان چون صاحب یک رأی بنگریم، آزادی برای آنان اسارت و بردگی خواهد شد و دلبستگی آنان به آزادی از میان خواهد رفت زیرا بیشتر مصوبات مردم به زبان آنان خواهد بود از این روی اختیارات و حقوق آنان در اداره امور کشور باید با شئون دیگرشان برابری کنند و این هنگامی میسر است که آنان برای بازداشتن مردم از خودسری تشکیل شوند (همان).

هر یک از قوای سه گانه باید بر کارهای دیگر نظارت کند و آنها را متعادل سازد و از این طریق پیچیده است که آزادی های شادمندان با فرد، دادگری و زورمندی حکومت سازگار می شود. منتسکیو اندیشه های خویش درباره حکومت مختلط را از ارسطو گرفته بود اما نریه تفکیک قوای را از تجاربی که در انگلستان انجام داده بود پیش کشید و عقیده داشت که در انگلستان به نمونه ای مطلوب ولی ناقص از حکومت فردی برخورد کرده است که مردم به دست نمایندگان خویش در مجلس عوام و مجلس اعیان بر کارهای آن نظارت می کنند و می پنداشت که دادگاه های انگلستان نیز بر کارهای شاه پارلمنت نظارت دارند. منتسکیو به آنچه با هدایت و همراهی جسترفیلد در انگلستان دیده بود شکل آرمانی داد اما او نیز چون ولتر ستایش خویش را از نظام سیاسی انگلستان وسیله ای برای تحریک فرانسویان ساخته بود. با بررسی شرایط سیاسی انگلستان قرن هجدهم، منتسکیو این عقیده را پیدا کرده بود که آزادی که انگلیسی ها از آن برخوردارند نتیجه تفکیک قواست. اما منتسکیو از این نکته غفلت کرده است. که این تفکیک قوا ارتباط کامل با نظریه او که بر حسب آن هر قوه باید دارای سازمان معینی باشد نداشت. در واقع درست بود که بگوئیم پادشاه انگلستان به هیچ وجه در قوه مقننه دخالت نمی کرد و یا اینکه پارلمان در قوه مجریه دخالتی نداشت همچنین فراموش کرده است که روی جنبه سیاسی تفکیک قوای پیشنهادی خود پافشاری کند (همان).

می توان گفت بدیع ترین استدلال مونتسکیو در این زمینه اصلاح نظریه جمهوری بود که بهترین شیوه برای تضمین این نکته بود که قانونگذاری بازتاب منافع اجتماعی باشد. او تصریح کرد که در دولت آزاد هر انسانی که یک شهروند آزاد محسوب می شود باید توسط خودش کنترل شود، بنابراین مردم باید حق قانونگذاری داشته باشند. اما این مطلب جمهوری خواه منجر به تایید اشکال جمهوری حکومت نمی شد. او از دموکراسی مستقیم باستانی به دلیل خلط قدرت مردم با آزادی آنها انتقاد کرد. این مشارکت افراطی تفکیک بین قوای مقننه و مجریه را از بین می برد به علاوه در کشورهای بزرگ نیز غیرقابل اعمال بود. حتی در کشورهای کوچک هم بسیاری از مردم در تصمیماتی مشارکت می کردند که برای وضع آن ناصالح بودند (لامی، ۱۳۸۴).

سیستم مشارکت قوا یا تفکیک نسبی قوا

رژیم مشارکت قوا مدلی است که با وجود تأکید و تضمین اصولی چون تفکیک قوا، جدایی کارکردها و آزادی عمل قوا، شاهد همکاری و مشارکت آنها در پیشبرد اهداف کشور می باشد. در این سیستم استقلال عمل قوا به منزله انفکاک و جدایی آنها نبوده بلکه بالعکس عاملی برای نزدیکی سیاسی و شراکت کاری میان آنها می باشد. رژیم مشارکت قوا مدلی است که با اجرای کامل اصل کنترل و توازن میان سه قوه توانسته نوعی تعادل را برقرار سازد تا نهادهای مستقل بتوانند بر عملکرد یکدیگر نظارت داشته باشند در این وضعیت قدرت میان سه قطب متوازن به گونه ای تقسیم شده است که هر یک از آنها بتواند دو قوه دیگر را محدود کرده و شاهد برتری یکی از آنها بر دیگری نباشیم (طباطبایی، ۱۳۹۶).

بحث و نتیجه گیری

آن گونه که از روح القوانین بر می آید مراد مونتسکیو از شناسایی قوای سه گانه جدایی کامل و مطلق آنها از یکدیگر نیست. آشکار است که بدون هماهنگی و تعامل میان قوه مقننه، مجریه و قضائیه حکومت قادر به مدیریت کشور نیست. قوه قانون گذاری به وضع قانون و نظارت بر امور کشور می پردازد. قوه مجریه وظیفه دارد قانون های وضع شده مجلس را به اجرا درآورد و دستگاه قضائی در صورت استقلال می تواند به وظایف خویش عمل کند اما ارتباط آن با مجلس و دولت امری بدیهی و ضروری است. فلسفه تفکیک

قوا از سویی پاسداشت آزادی و بهره مندی شهروندان از آزادی های قانونی است و از سوی دیگر هدف جلوگیری از تجمیع قدرت در دست یکی از نهادهای حکومت است.

منابع و مأخذ

۱. اعظمی، یاسر و اعظمی، سعید، ۱۴۰۰، بررسی تطبیقی مفهوم تفکیک قوا در نظامهای حقوقی ایران و عراق، ششمین کنفرانس بین المللی علوم انسانی، اجتماعی و سبک زندگی
۲. بلامی، ریچارد، ۱۳۸۴، شکل سیاسی قانون اساسی تفکیک قوا حقوق فردی و دموکراسی نماینده سالار، دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۳. بندسی، مهدی، ۱۳۹۸، نسبت سنجی مردم سالاری در قانون اساسی ایران با اندیشه های سیاسی منتسکیو، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۴. تقی پور واجارگاه، امیرحسین، ۱۴۰۱، تحلیل تفکیک قوا از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران با تفکیک قوا در نظام های متداول و مرسوم معاصر، نهمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارافرینی ایران، تهران
۵. جعفری هرنندی، امیرمحمد، ۱۴۰۰، اصل تفکیک قوا در نظام جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات حقوق، دوره: ۶، شماره: ۱۵
۶. سلطانیه، محمد، سلیمی، محمد علی، ۱۴۰۰، تحلیل انتقادی کارکردهای اجتماعی دین از دیدگاه منتسکیو، پژوهش های اجتماعی اسلامی، سال بیست و هفتم، شماره اول.
۷. شیرمحمدی باباشیخعلی، حسین و دهقان نژاد، مرتضی و بحرینی، فروغ و بیطرفان، رضا، ۱۳۹۱، تفکیک قوا در اندیشه های ثقه الاسلام تبریزی، مجله تاریخ اسلام و ایران، دوره: ۲۲، شماره: ۱۵
۸. شیشه بر، حسین، ۱۳۹۷، بررسی مفهوم تفکیک قوا در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، دومین کنفرانس پژوهش در فقه، حقوق و علوم اسلامی، تهران،
۹. شیشه بر، حسین، ۱۳۹۷، بررسی مفهوم تفکیک قوا در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، دومین کنفرانس پژوهش در فقه، حقوق و علوم اسلامی، تهران،
۱۰. شیعه علی، علی و زارع، وحید، ۱۳۹۶، بررسی نظریه ی تفکیک قوا در جمهوری اسلامی ایران با نگاهی به رابطه ی ولایت فقیه با تفکیک قوا، فصلنامه دانش حقوق عمومی، دوره: ۶، شماره: ۱۸
۱۱. طاهری، محسن و قادری نمین، مسعود و صالحی فارسانی، علی، ۱۴۰۱، اصل تفکیک قوا و نظریه های موجود در آن، فصلنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، دوره: ۵، شماره: ۱۱
۱۲. طباطبایی، محمد، ۱۳۹۵، نظریه تفکیک قوا و سازماندهی قدرت سیاسی نزد دولت، فصلنامه دولت پژوهی مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۱۳. طباطبایی، محمد، ۱۳۹۶، نظریه تفکیک قوا و سازماندهی، فصلنامه دولت پژوهی، مجله دانشکده علوم سیاسی، سال سوم.
۱۴. عزیززاده، فاطمه و سلیمانی، حمید، ۱۴۰۱، پذیرش «اصل تفکیک قوا» و مکانیسم های حفظ آن (رویکرد فقهی و حقوقی)، دومین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ، شیراز
۱۵. مرادخانی، فردین، ۱۳۹۴، پیدایش مفهوم تفکیک قوا در انقلاب مشروطیت ایران، مجله حقوقی دادگستری، دوره: ۷۹، شماره: ۹۲
۱۶. منصورنژاد، محمود، ۱۳۷۸، تفکیک قوا ولایت مطلقه فقیه و استقلال قوا، حکومت اسلامی، شماره ۱۱.

۱۷. منصوریان، ناصر علی، کتابی رود، احمد، ۱۴۰۰، تفکیک یا تعادل فوا رویکرد مونتسکیو در کتاب روح القوانين، فصلنامه علمی و تخصصی دانشنامه های حقوقی، دوره ۴، شماره ۱۲.
۱۸. منصوریان، ناصر علی و کتابی رودی، احمد، ۱۴۰۰، تفکیک یا تعادل قوا؛ خوانش جدید از کتاب روح القوانين مونتسکیو، فصلنامه تخصصی دانشنامه های حقوقی، دوره: ۴، شماره: ۱۲
۱۹. موسی زاده، ابراهیم، حیدری، علی، ۱۳۹۸، بررسی تطبیقی تفکیک قوا در اندیشه ابن خلدون و منتسکیو، اندیشه های حقوق عمومی، سال هشتم، شماره دوم.

20. Baron de Montesquieu. (2001). The spirit of laws, Translated by: Thomas Nugent, Canada, Batoche Books

21. Leroy, Paul (2001), Les régimes politiques du monde contemporain, Grenoble, PUG.